

کد خبر: ۲۶۱۶۱۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۱/۱۰



انسان بی‌پناه و الزامات بعد از کرونا

عباس ملکی، دیپلمات و استاد دانشگاه شریف

شیوع ویروس کرونا، آسیب‌های جدی بر تن و روان ما آدیان وارد کرد. گرچه در تاریخ بشر، تعداد کسانی که در اثر بلایای طبیعی یا تصمیم‌های سیاسی از جمله زلزله، سونامی و جنگ از بین رفته‌اند، کم نبوده است، اما تأثیر ویروس کووید ۱۹ به نظر می‌رسد از همه لحاظ بزرگ‌تر و همه‌جانبه‌تر است. شاید یکی از دلایل آن جهان‌شمول بودن این بیماری است. در حالی که در روزهای اول برخی اصرار داشتند که آن را ویروس چینی نامیده و سرایت آن را فقط از طریق خطه چین و چینیان بدانند، اما سربرآوردن آن در کنار دریاچه کومو در لومباردی یا در دره‌های رشته‌کوه پیرنه ثابت کرد که این ویروس تنها در یک شهر یا یک کشور یا یک منطقه نمی‌ماند و با خود سراسر جهان را به تغییر و تحول وامی‌دارد. اگر این طور است پس عواملی هست که با سرنوشت انسان به صورت جهانی و فراتر از مرزها و نژادها ارتباط دارد. تاکنون انسان برای مواجهه با موضوعات جهانی و پدیده‌هایی که همگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به حاکمان چشم دوخته است. کشورها یا صحیح‌تر ملت - دولت‌ها، واحدهایی هستند که علاوه بر حاکمیت و مشروعیت در درون مرزها، به تأسیس و تشکیل سازمان‌های بین‌المللی پرداختند. البته سازمان‌ها و بنگاه‌های بین‌المللی، اکثراً بین‌الدولی هستند و نمایندگان هر کشور را همان‌هایی انتخاب می‌کنند که قدرت را در آن واحد سیاسی در دست دارند. اما به هر رو این نمایندگان کشورها در مصالحه مابین منافع ملی کشور خویش و سرنوشت بشری تا اندازه‌ای به پیشرفت نایل شدند. تأسیس سازمان ملل متحد به صورت کلی تجربه موفق‌تری برای بشریت است. گرچه شورای امنیت نتوانسته برخی از منازعات را به پایان برساند، اما توانسته از برخی جنگ‌ها جلوگیری کند. بی‌شک کشورهای بزرگ از فردای جنگ جهانی دوم تاکنون تمایل شدید به استفاده از نیروی نظامی خویش برای حفظ و توسعه اهداف و منافع خود داشته‌اند. نیروی نظامی که سال‌ها با صرف بودجه‌های سنگین و تلاش برای به‌دست آوردن فناوری‌های پیشرفته، در هر زمان به درجه‌ای از قوت رسیده است که در فرآیند تصمیم‌گیری درون حاکمیت، استفاده از آن بهترین راه حل شناخته شود. اما وجود نهادهایی که اکثر اعضای آن ضعیف هستند ولی در جریان رأی‌گیری‌ها و پیشنهاد دادن‌ها به صورت مجموعه‌ای قابل توجه نمودار می‌شوند، بدون شک مانعی بر سر راه قدرت‌های بزرگ بوده‌اند. دستاوردهای بشری در زمینه‌های فرهنگی، پزشکی، هوانوردی، کشتیرانی، پولی و مالی نیز با حضور سازمان‌های تخصصی بین‌المللی گره خورده است. لیکن در این میان صدای مردمان عادی که در صحراهای دوردست و کوه‌های مرتفع و آن

طرف اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند، لزوماً با منافع دولت‌ها و نمایندگان کشور خویش همپوشانی نداشته است. به همین جهت در عین قدردانی از همکاری‌های دسته‌جمعی کشورها در سازمان ملل یا سازمان‌های منطقه‌ای، توجه داشته باشیم که انسان هنوز که هنوز است مظلوم است. به آن که با پای پیاده در تهران قدم می‌زند، حقوقی مترتب نیست. اگر در این میان به آنها که ناتوانی جسمی دارند نیز نگاهی افکنده شود، وضعیت ستم بر آنان همراه با رنجی مضاعف است. در تهران خیابانی نیست که امکانات عبور خودرو نداشته باشد، اما به فهرست بلندبالای خیابان‌هایی که فاقد پیاده‌رو هستند نگاه کنید. به کودک فلسطینی ظلم می‌شود. به زن افغان همین‌طور، به مسلمان هندی، به مسیحی مصری و... چه کسی از این‌ها دفاع می‌کند؟ سال‌ها به این رضایت داشتیم که سازمان‌های مردم‌نهاد حامی حقوق گروه و اقشار مختلف هستند. اما در روز واقعه نشان داده شد که چقدر آنها هم بی‌پناه هستند.

به نظر من این ویروس می‌تواند جرقه‌هایی در ذهن ما ایجاد کند که روش زندگی من چگونه باشد. این بحثی است که در چارچوب هنجارها، ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، و نهایتاً فرهنگ، بررسی و نتیجه‌گیری می‌شود؛ آن‌گاه از سطح فرد به سطح جامعه خواهیم رسید. فرهنگ عمومی تا چه اندازه من را به تطبیق روش زندگی در یک آپارتمان هدایت می‌کند؟ چه زمانی دیگر دو موتورسیکلت با سرعت تمام در پیاده‌رو تهران من را در میان خودشان له نخواهند کرد. در سطح منطقه‌ای، این همه سازمان‌های منطقه‌ای در وضعیت کنونی متشکل از کشورها با مرزهای سیاسی طبیعی و مصنوعی، چگونه سعدی می‌توانست از شیراز به کاشغر در شمال چین برود و من برای رفتن به هراتِ جان ابتدا باید به سفارت افغانستان در تهران مراجعه کنم؟ اگر در این سال‌ها با کشورهایی که در حیطه تمدنی نوروژ هستند، راه آمده بودیم، امسال برای جشن گرفتن نوروژ آیا دارای عناصر متعدد در فضای مجازی نبودیم؟ نمی‌توانستیم با میدان ریگستان در سمرقند تماس برقرار کنیم؟

و در سطح جهانی به نظر من، کرونا ما را به یک نظم نوین می‌خواند. نظمی که بدون شک بر پایه‌های متفاوتی استوار است. اولین و ابتدایی‌ترین آن دموکراسی است. من بتوانم نمایندگان خودم را به پارلمان و دولت بفرستم و از این طریق نماینده خودم را در جمع کشورها و سیاست‌گذاران بینم. نمایندگان من فرصت‌ها را از دست ندهند. برای ملاقات با یک مسئول در یک کشور آفریقایی چند روز در راه باشیم و به مجمع اقتصاد جهانی در داووس، جایی که ۵۰۰ نفر از رهبران کشورها و رؤسای شرکت‌های بزرگ و دبیران احزاب مؤثر هستند نرویم.

دومین ستون یک نظم جدید در پساکرونا، عدالت است. حال چه بر حدیث امام صادق (ع) پای بفرسیم که مردم در تأمین نیازهای اساسی خود باید برابر باشند یا بر تئوری مازلو. همه می‌فهمند که بی‌عدالتی چه مزه‌ای دارد. حتی در برخورداری از کیت آزمایش کرونا.

سومین ستون نظم نوین پساکرونایی جریان آزاد، علم و فناوری است. چیزی که از همه بیشتر حالا در خانه ما ایرانیان رانج می‌دهد. دسترسی به فایل به‌روز کردن نرم‌افزاری که در حال استفاده هستی، امکان‌پذیر نیست. اما هر نوع وی‌پی‌ان که بخواهی در اختیار تو هست. نظم جدید بر جریان آزاد دانایی می‌باید توجه کند.

و چهارمین ستون، رفتن به سمت یک اقتصاد مقتصد است. همراه با صرفه‌جویی، کمتر دخالت کردن در حالت طبیعی جهان هستی. فرصت مناسبی برای ایران که از اقتصاد متکی بر انرژی‌های تجدیدناپذیر خود را رها کند. به اندازه‌ای تولید کند که نیاز دارد و این چرخه اکتشاف و استخراج و انتقال و صادرات و افزایش گازهای گلخانه‌ای را در جایی قطع کند.